

فتح مکه معظمه به دست پیامبر(ص)



با این که آغاز بعثت پیامبر اکرم(ص) و نزول وحی بر آن حضرت، در مکه واقع شده بود و پیامبر(ص) به مدت سیزده سال به صورت نهان و آشکار اهالی این شهر و طوایف و قبایل اطراف آن را به دین مبین اسلام فراخوانده بود.

با این که آغاز بعثت پیامبر اکرم(ص) و نزول وحی بر آن حضرت، در مکه واقع شده بود و پیامبر(ص) به مدت سیزده سال به صورت نهان و آشکار اهالی این شهر و طوایف و قبایل اطراف آن را به دین مبین اسلام فراخوانده بود، جز تعدادی اندک، پاسخ مثبتی به وی ندادند و در صدد تکذیب و حتی دشمنی او برآمدند و در این راه وی و خانواده و یارانش و سایر مسلمانان را در فشار و تنگنا قرار داده و آن‌ها را اذیت و آزار زیادی نمودند. به طوری که عده‌ای از مسلمانان به حبشه و خود پیامبر(ص) به همراه سایر مسلمانان به مدینه هجرت کردند و در این شهر مقدس، نظام نوپای اسلامی را بنا نهادند. از این پس دشمنی‌های مکیان، به ویژه قریش نسبت به پیامبر(ص) و مسلمانان مدینه فزونی یافت و جنگ‌های زیادی از سوی آنان بر پیامبر(ص) و مسلمانان تحمیل گردید. سرانجام پیامبر(ص) به امر پروردگار منان تصمیم به فتح کانون اصلی مشرکان و کافران قریش، یعنی مکه معظمه گرفت. در دوم ماه مبارک رمضان، در رأس یک سپاه بزرگ ده هزار نفری از مسلمانان [اعم از مهاجر، انصار و قبایل و طوایف اطراف مدینه] به سوی مکه حرکت کرد.

یکی از مسلمانان مهاجر، به نام "خاطب بن ابی بلتعنه" پیش از حرکت سپاه اسلام، خبر حرکت آنان را به واسطه زنی بد سابقه و نوازنده به نام "ساره" برای قریش ارسال کرد، ولی پیامبر(ص) از جاسوسی آن دو با خبر گردید و حضرت علی(ع)، زبیر و مقداد را مأموریت داد که به هر صورت ممکن، آن زن جاسوس را بیابند و وی را دستگیر کنند. آنان، زن جاسوس را در میان راه مدینه و مکه، در مکانی به نام "روضه خاخ" و به قولی در "خلیقه" یافته و وی را دستگیر کرده و به نزد پیامبر(ص) آوردند.

پیامبر(ص)، مراقبت و مواظبت زیادی به عمل آورد که قریش از حرکت سپاه اسلام آگاه نگردد، بدین جهت تا رسیدن به "مرآلظهران" که در چند کیلومتری مکه است، اهالی مکه و جاسوسان و نفوذی‌های آنان هیچ خبری از حرکت جهادی سپاه اسلام نداشتند. عباس بن عبدالمطلب، عموی رسول خدا(ص) که در مکه می‌زیست و پیش از آن مسلمان شده بود، ولی رابطه حسنه‌ای با مکیان داشت، در همان زمان از مکه خارج شد و به سوی مدینه هجرت می‌کرد، که با پیامبر(ص) و سپاه اسلام در سرزمین "جحفه" روبرو گردید.

وی پس از آن که چندی در کنار رسول خدا(ص) بود، به دستور آن حضرت، به سوی مکه رفت و در میان راه با برخی از سران قریش مانند ابوسفیان، حکیم بن حزام و بدیل بن ورقاء برخورد کرد و خبر هجوم سپاه اسلام را به آنان گوش زد کرد و ابوسفیان را به همراه خود در نزد پیامبر(ص) آورد و او را وادار به پذیرش اسلام نمود.

پیامبر اسلام(ص) هم از تاکتیک‌های نظامی خویش و هم از وجود ابوسفیان برای فتح مکه بهره جست و وی را پیشاپیش به میان مکیان فرستاد، تا با فراخوانی آنان به تسلیم شدن و هیچ گونه حرکت نظامی انجام ندادن، زمینه فتح این شهر مقدس را بدون جنگ و خون‌ریزی فراهم کند.

گرچه عده از سرکشان و طاغیان مکه با دسته‌ای از مسلمانان روبرو شده و به درگیری و نبرد پرداختند، ولی با دادن دوازده یا سیزده تن کشته، متواری شدند و در نتیجه این شهر مقدس در روز بیستم ماه مبارک رمضان، سال هشتم قمری به دست پیامبر(ص) و سپاهیان مسلمان فتح گردید و بت‌ها از خانه خدا به بیرون ریخته شد و داخل کعبه با آب زمزم شستشو داده شد و بدین گونه مقدس‌ترین مکان مذهبی و دینی مسلمانان از لوث بت‌ها، تصاویر و مجسمه‌ها پاکسازی شد و برای همیشه، محل مقدس و عبادت مسلمانان قرار گرفت.

نقل شد که در این روز امیرمؤمنان(ع) بر دوش پیامبر اسلام(ص) ایستاد و بالای کعبه رفت و بت‌ها را به زمین انداخت و در هم شکست و به رعایت ادب، خود را از میزاب کعبه به پایین انداخت.

برخی از مورخان و سیره‌نگاران، تاریخ فتح مکه را در روز سیزدهم رمضان ذکر کرده‌اند، ولی اکثر علمای شیعه و اهل سنت، روز بیستم رمضان را روز فتح مکه می‌دانند.